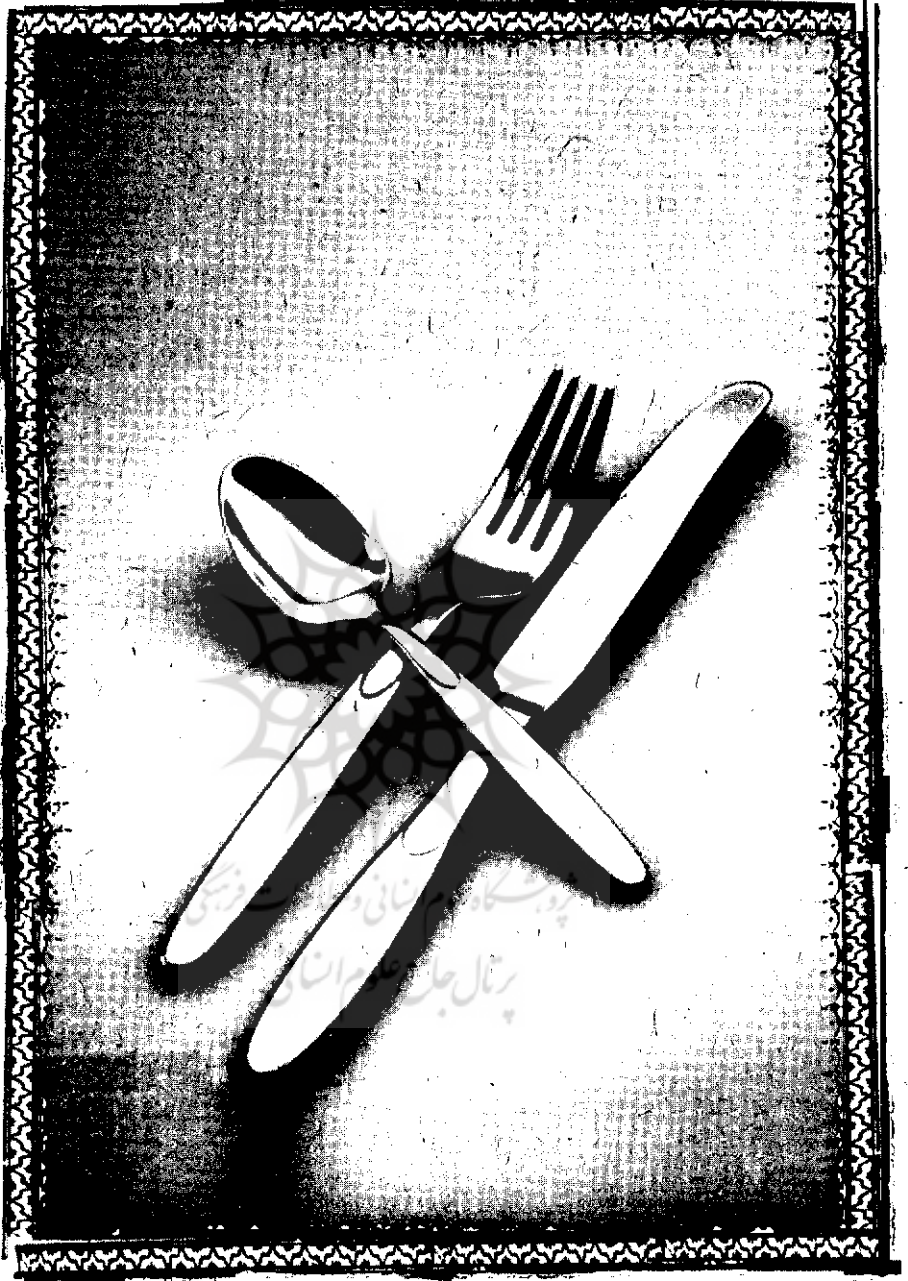


پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی

WWW.

پرتال جامع
علوم انسانی



هنرمدرن

به کوشش امیرحسین پیشاهنگ

در ادامه نشست های پژوهشی خانه هنر و اندیشه مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما درباره هنر، نشست با عنوان ویژگی های هنر مدرن در تالار اندیشه مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما در قم برگزار شد. سخنران این جلسه دکتر مرتضی گودرزی (دیباچ) بودند که در میان جمعی از پژوهشگران عرصه هنر و دین دیدگاه خویش را درباره هنر مدرن بیان کردند.

دکتر گودرزی در تبیین هنر مدرن، آن را پدیده ای تدریجی نامید و تأکید کرد نمی توان مدعی شد که هنر مدرن، هنری است که به صورت دفعتی و به یکباره در دوره ای خاص پدید آمده است، بلکه هنر مدرن نتیجه فرایندی است که از دوران رنسانس و حتی پیش از آن شروع شده است و بالاخره در دوره ای منجر به ظهور هنر مدرن شده است. ایشان افزودند:

در چنین شیوه بررسی است که می توان نسبت درست تری از هنر مدرن یا دین به دست آورد که با واقعیت ها همراهی بیشتری دارد.

دکتر گودرزی برای کشف این معانی و ارتباطات ابتدا به سراغ هنر پیش از رنسانس می رود و درباره آن می گوید:

اساساً هنر پیش از رنسانس هنر نبوده، بلکه وعظ بوده است؛ هنری تکلیف گرا، وظیفه شناس و پیامبرگونه که سعی می کند مخاطب خود را تحت تأثیر شبه هنرمند یا کشیش هنرپرداز قرار دهد. در دوران رنسانس با بزرگ تر شدن کلیساها دیگر توان هنری کشیشان و بضاعت اترژیک آنان پاسخگوی این گسترش نبود و هنرمندان با هویتی از کشیشان و فیلسوفان در ردیف آنان و حتی گاه بالاتر از آنان قرار می گیرند.

دکتر گودرزی با بیان مطالب بالا تجلی این هنر را در کلیسا چنین شرح می دهد:

معماری کلیساها بزرگ و بلند می شوند، نه برای آن که بیان دینی بزرگتری داشته باشند؛

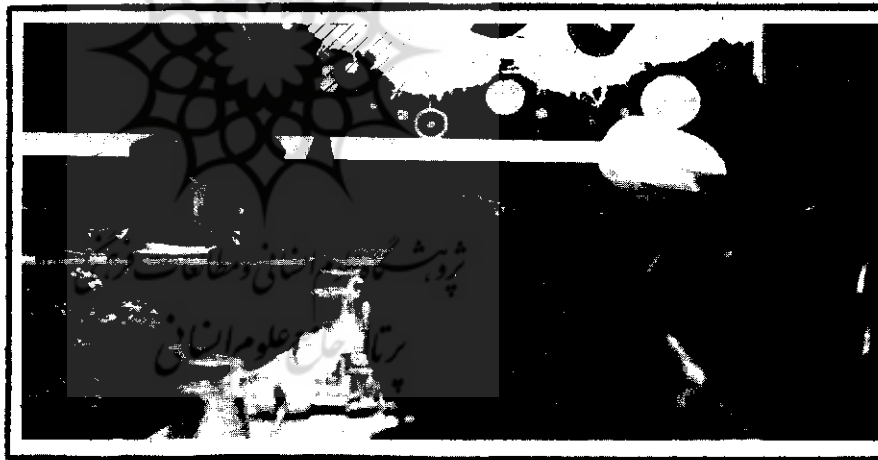
بلکه برای این منظور که ابتدا مخاطب خود را مهیوت کند و یا حتی بترساند و یا حتی او را خوار و تحقیر نماید و سپس بر روی او تأثیر بگذارد؛ تأثیری که هدف آن تسلیم کردن مردم در برابر کلیساست.

دکتر گودرزی تحول بعدی را ظهور رفورم مذهبی در مسیحیت و پیدایی پروتستانتیسم معرفی کرد و آن را زائیده برخورد تمدن اسلامی با تمدن غرب دانست. وی نتیجه این تحولات مذهبی را در هنر، تولد هنری فاقد خدا برشمرد که توجه به ریاضیات و هندسه در آن تجلی یافته و جای توجه به خدا و ماوراء را گرفت. گودرزی در بازشناسی مسیر شکل‌گیری هنر مدرن به بررسی نقش امپرسیونیست‌ها می‌پردازد:

اولین کار ویژه امپرسیونیست‌ها تخصصی‌کردن حوزه هنر و اندیشه بود. حرکت بعدی آنان آزاد کردن هنرمند از بند خیال بود و آنان برای این آزادی به چشم پناه بردند. پیش از این



خیال مبنای خلق هنر بود ولی امپرسیونیسم با شعار بین و بیافزین گامی مهم به سوی مدرن برداشت. نگاه مجدد و دیگرگونه به دیدنی‌ها نیز گامی دیگر به سوی مدرن بود که توسط امپرسیونیست‌ها برداشته شد. حذف ظهور مذهبی و باورهای دینی از هنر، حذف فرم و اهمیت دادن به رنگ (که در پی نگاه تخصصی به هنر به وجود آمد)، بی‌توجهی به روابط باطنی و حتی نمادین رنگ‌ها، توجه به روابط و شاخصه‌های بصری رنگ‌ها و هم‌چنین نگاه لحظه‌ای و آنی و اهمیت یافتن سرعت، فضایی را به وجود آورد که دیگر در آن فضا جست‌وجوی هویت معنا نداشت و ندارد. با ظهور امپرسیونیسم پرسش از چیستی هنر دیگر معنی پیدا نمی‌کند؛ بلکه تنها تبیین هنر معنا خواهد داشت. نتیجه و ادامه همین اندیشه موجب شده است تا امروز نقد هنر بیشتر گزارش هنر باشد و نه بررسی چرایی و چیستی آن.



دکتر گودرزی پس از بررسی نقش جریان امپرسیونیسم به نقش تفکر امانیستی در تولد جریان هنر مدرن پرداخت و شاخصه‌هایی را که اندیشه امانیسم به هنر مدرن عاریت داد، چنین برشمرد:

۱. حرکت به سمت جلو حتی اگر گذشته ارزشمند باشد.
۲. حذف هر آن چه به عنوان قید و بند مطرح است.
۳. اصالت نوآوری و تأکید دوباره بر آن با شعار هر چه نوتر، اصل‌تر؛
۴. اصالت فرد و خواست او به عنوان پایه هنر

گودرزی با بیان این نکته که تفکر امانیستی بیشترین نقش را در هدایت جریان‌های هنری به سمت مدرنیسم داشته افزود:

اصالت فرد موجب تجلی محض خواست هنرمند در عرصه هنر شد و جمع این پدیده با پدیده‌های امپرسیونیستی چون اصالت لحظه، تخصصی شدن هنر و گزارشگر شدن نقد، انرژی مخوفی را به وجود آورد که با ورود به عرصه اجتماعی هنر موجب پدیداری انبوهی از نحل‌ها و فرقه‌های هنری شد. تعدد مکاتب ریز و درشت تعریفی از هنر را به وجود آورد که هنر مدرن از میان آن‌ها سر برآورد.

دکتر گودرزی در پایان آموزه‌های مدرن را به طور اختصار چنین برمی‌شمارد:

حذف مخاطب، حذف موضوع، حذف مسائل متافیزیکی، نگاه ایزاری به هنر برای تصویر کردن یا خلق توهمات؛

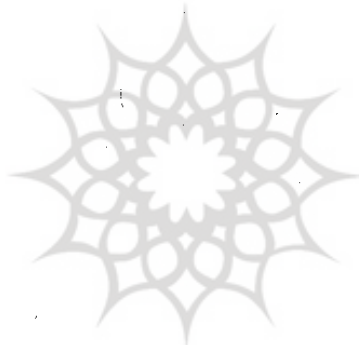
گودرزی درباره آموزه چهارم توضیح می‌دهد که:

در هنر مدرن دیگر نه ماوراء و نه دانش و نه خیال و نه واقعیت و نه دیدنی‌ها مبتای خلق اثر نیستند؛ بلکه در هنر مدرن توهم پایه خلق هنر قرار می‌گیرد. از همین روست که قرص‌ها و داروهای توهم‌زا رواج چشم‌گیری پیدا می‌کنند و تولید مخدرهای روانی توهم‌زا بخشی از اقتصاد دنیا را اشغال می‌کند.

دکتر گودرزی با اشاره به مراکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما جمهوری

اسلامی ایران گفت:

کانون‌هایی در جهان شکل گرفته است که عمدتاً به صورت غیررسمی تلاش می‌کنند با بازگرداندن دوباره هنر به دامن دین، هنر دینی را احیا کنند. ایران، ایتالیا و آلمان از کشورهای پیشرو در این حرکت هستند و مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما نمونه‌ای از این کانون‌هاست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی